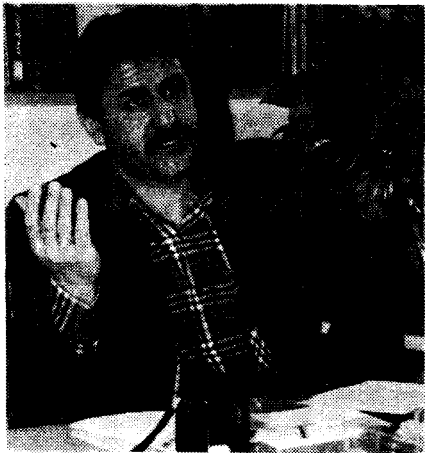


حومه‌نشینی هم پدیده‌ای است به خطرناکی حاشیه‌نشینی



آقای محمود دادگو

معرض مطامع سرمایه‌داران و مال‌اندوزان تهران قرار داشت. احداث شهرک‌هایی چون فردیس، دهکده ییلاقی، مهرشهر و غیره نمادی از کوشش بورس‌بازان آن دوران است که می‌کوشیدند کرج را به نقطه‌ای برسانند که مطلوب طبع خودشان بود. این نقطه مطلوب کجا بود، و چه منافعی را در برداشت؟

انتقال بورس زمین

نقطه مطلوب انتقال قسمتی از کشتش بورس بازی زمین از تهران به کرج بود. در آن زمان کسی تهران را نمی‌گذاشت تا به کرج برود و در آن جا سکونت کند. اما گشایش اتوبان تهران - کرج و شرایط سهلی که شهرک‌سازان در دوره زمانی خاصی برای واگذاری خانه‌های ساخته شده در مناطقی چون فردیس، مهرشهر، عظیمیه و دهکده

گزارشی که در شماره گذشته این مجله تحت عنوان «حاشیه‌نشینی پدیده تکران‌کننده قرن» چاپ شد در محافل اجتماعی و علمی بازتاب گسترده‌ای یافت. همین محافل توجه تحریریه مجله را به یک پدیده دردسرافرین اجتماعی دیگر که می‌رود در روابط مدنی ما بحران ایجاد کند، جلب کردند.

رشد تصاعدی شهرهای میلیونی کشور، و در صدر آن‌ها تهران، علاوه بر حاشیه‌نشینی، حومه‌نشینی را نیز چون سرنوشتی گریزناپذیر به جامعه ما تحمیل کرده است. در این میان، کرج مظهر مجسمی است از حومه‌نشینی، روند شکل‌گیری و رشد این پدیده و ناهنجاریهای بی‌حد و شماری که از آن ناشی می‌شود.

بسیاری از این نابسامانی‌ها را از زبان شهردار کرج خواهیم شنید و بی‌تردید در پایان این بررسی اذعان خواهیم کرد «حومه‌نشینی را تا این زمان با ساده‌دلی و سهل‌انگاری شکفت‌انگیزی توجیه می‌کرده‌ایم».

هر بامداد صدها هزار نفر از کسانی که در کرج خانه دارند، شهر را به مقصد تهران و موسسات صنعتی، بازرگانی و خدماتی حول حوش آن ترک می‌کنند، همین گروه عصر، از ساعت ۶ به بعد بار دیگر به کرج باز می‌گردند تا شب را در آنجا، در خانه‌شان و در کنار خانواده‌شان سپری کنند.

کرج در حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر جمعیت ثابت دارد و به عنوان شهری حومه‌ای، خود دارای شهرک‌هایی حاشیه‌ای شده است. شهرک‌هایی که تدریجاً به عنوان زیرمجموعه کرج درآمدند و از آن تغذیه می‌شوند.

کرج روزگاری یکی از ییلاقات تهران بود و تا حدود سی سال پیش شهرک بی‌اهمیتی محسوب می‌شد که چون سر راه تهران به قزوین، و تهران به چالوس قرار داشت در مسیر عبور اجباری اتومبیل‌هایی که به شمال و غرب کشور رفت و آمد می‌کردند، واقع بود.

در آن زمان اگر تهرانیها به کرج اهمیتی می‌دادند ناشی از این امر بود که باغات کرج، و حاشیه رودخانه آن، تابستانها امکاناتی را جهت رفتن به ییلاق و گذران اوقات فراغت در اختیار می‌گذاشت. البته این نگاه مردم عادی به کرج بود. صاحبان سرمایه و قدرت با نگاهی متفاوت به کرج می‌نگریستند.

این گروه می‌کوشیدند ملکی و یا باغی در کرج بخرند و اگر جزو آن دسته بودند که از آینده و تحولات پشت پرده خبیر داشتند تا جایی که می‌توانستند اراضی بیشتر و باغات و مستغلات وسیع‌تری در این محدوده می‌خریدند.

بدین قرار، کرج در واپسین سالهای رژیم گذشته به صورت شهری درآمد که به طور غیرمستقیم در

ییلاقی در نظر گرفتند سرانجام ایشان را به آن نقطه مطلوب رساند و کرج را به صورت یکی از جاذبه‌های زمین بازی در ایران آورد.

قیمت زمین ابتدا در خود شهر و سپس در حومه‌های آن رو به ترقی گذاشت، اما نه به شدتی که بعداً در دو مرحله (یکی بعد از انقلاب، و یکی هم زمانی که اعلام شد متروی تهران تا کرج امتداد می‌یابد) اتفاق افتاد.

اوضاع پس از انقلاب و هجوم ساکنان شهرها و روستاهای مناطق مختلف به پایتخت و رشد جمعیت آن، و آثار و عواقب دیگری که از این روند ناشی شد، تهران را با کمبود و گرانی روزافزون مسکن مواجه کرد. این وضع سبب شد عده‌ای از تهران‌نشینان که قدرت پرداخت کرایه خانه و یا خرید آن را در تهران نداشتند، کرج را به عنوان خانه، و تهران را به عنوان محل کار انتخاب کنند و همین آغاز شروع دورانی شد که کرج را به صورت حومه مسکونی تهران درآورد.

چند صباحی، کرج و شهرک‌های اقماری آن تنها مفر نجات تهران‌نشینانی بود که تحمل خرید خانه یا پرداخت اجاره مسکن در این شهر را نداشتند و ناگزیر زندگی دوگانه شغلی - سکونتی در تهران و کرج را انتخاب می‌کردند. همین وضع به نوبه خود سبب رونق بورس‌بازی زمین و مسکن در کرج و حومه آن می‌شد و بالاخره زمانی که مقامات مسؤول اعلام کردند راه آهن شهری تهران تا کرج امتداد می‌یابد و کرج‌نشینان خواهند توانست طی مدت هفت - هشت دقیقه به تهران بیایند و یا از تهران به کرج بروند، شرایطی فراهم آمد که طی آن قیمت زمین و خانه در قسمت‌هایی از کرج به سطح قیمت‌های مشابه در مرغوب‌ترین مناطق تهران رسید! آن هم فقط طی چند هفته و در شرایطی مشکوک و غیرقابل توجیه.

تغییر شرایط اجتماعی

اوضاع و احوالی که از این رهگذر بر کرج حاکم

مشکلات اجتماعی کرج دامان تهران را هم خواهد گرفت

مشخصاتی دارد، و نیروی شاغل در آن مصدر چه شغل‌هایی هستند، و چه سهمی در اقتصاد شهر دارند چه باید بکنیم؟ آن از ۶۰۰-۷۰۰ هزار نفری که کرج برایشان حکم خوابگاه دارد و این هم از حومه‌نشینان کرج...

از این دو گروه که بگذریم به گروه سومی می‌رسیم که قبلاً در کرج و اطراف آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند و حتی بعضی از آن‌ها دارای باغهای بزرگی هستند و اکنون سعی می‌کنند این باغها را بخشکانند تا به صورت زمین بایر درآورند و بتوانند در آنها آپارتمان‌سازی بکنند، و این در حالی است که کرج حتی در شرایط فعلی نیازی به آپارتمان‌نشینی ندارد.

فشار شهرکهای جدید

یکی از مصیبت‌های کرج این است که نزدیک

نشده است. اکثر این‌ها از شهرکهای اطراف آمده‌اند. اکثریتی از مردم خود کرج هم کسانی هستند که ساعت ۶ صبح برای کار به تهران می‌روند و ۶ بعد از ظهر با چشمانی خواب‌آلود و خسته، به خانه برمی‌گردند. لذا منهای سایر جنبه‌ها، از دید یک شهردار می‌توانم بگویم ساکنان کرج غالباً افرادی هستند که هیچ یک از انگیزه‌هایی را که لازم‌های شهروندی است ندارند. برای حل هر معضل اجتماعی ما باید راه‌لهایی داشته باشیم که متأسفانه در کرج مشکل و معضل زیاد و راه‌حل کم داریم. یک مشکل رشد مضاعف جمعیت کرج است. شهرکهای اطراف کرج مثل ملارد، شهریار، مردآباد و... از نظر بساز و بفروش‌ها و کسانی که دستی در «خاک‌بازی» دارند منطقه مثبتی است. و جالب این که از مستضعف گرفته تا سرمایه‌دار همه روی زمین‌های مناطق به نوعی سرمایه‌گذاری

شد، شرایط اجتماعی این منطقه آرام و بی‌تلاقی را نیز دستخوش دگرگونی‌های اساسی کرد. اگر قرار باشد این تغییرات و ناهنجاری‌های ناشی از آن را در چند کلمه خلاصه کنیم، آن چند جمله از این قرار است:

کرج اکنون یک تهران کوچک است، با همان مشکلات و بن‌بست‌ها. کرج می‌رود که خود غول شهری شود که بدون داشتن امکان تولید ثروت، با اقتصادی طفیلی به حیات خود ادامه می‌دهد و رشد می‌کند. کرج به قطبی از تمرکز مشاغل کاذب و پسر در آمد تبدیل شده که پولداران و جستجوگران مشاغل راحت و بی‌درد سرا به سوی خود جذب می‌کند. کرج اینک همچون تهران گذشته فضاهای سبز و اراضی کشاورزی اطراف خود را می‌بلعد و در اختیار بساز و بفروش‌ها، دلالان و سودجویان می‌گذارد. و کرج که روزی خود را فدا کرد تا خوابگاه تهران‌نشین‌های بی‌خانه شود، اکنون خود می‌رود که به صورت غول شهری سیری‌ناپذیر درآید.

بدرود هوای پاکیزه

علاوه بر همه مشکلات و نابسامانی‌ها، کرج مشکلاتی مخصوص به خود هم دارد. یکی هم این که تعدادی از صنایع مزاحم و آلوده‌کننده که زمانی در حومه شهر واقع بود اینک به علت رشد غول‌آسای کرج در قلب شهر قرار دارند. شاخص‌ترین این صنایع کارخانه روغن نباتی جهان است که در میانه یک منطقه مسکونی - تجاری همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. گویا قرار است در آینده‌ای نه چندان دور، این صنایع به خارج شهر انتقال داده شوند.

حتی اگر این صنایع مزاحم و آلوده‌کننده هم به خارج انتقال داده شود، اما در مقابل فشار سؤال برانگیزی که برای توسعه آپارتمان‌نشینی و ایجاد تراکم در کرج جریان دارد سدی ایجاد نشود از لحاظ آلودگی‌های زیست محیطی و منجمله آلودگی‌ها این شهر وضعی مشابه تهران پیدا خواهد کرد.

شهردار کرج می‌گوید: با توجه به حجم وسائط نقلیه موجود کرج و دهها هزار وسیله نقلیه‌ای که از اتوبان عبور می‌کنند و یا از کنار کرج بین تهران - چالوس و دیگر شهرهای شمال رفت و آمد دارند، دیری نخواهد پایید که باید تمیزی هوای کرج را جزو افسانه‌ها بپنداریم و بگوئیم بدرود هوای پاکیزه کرج... برای همیشه بدرود.

شرایط فرهنگی و اجتماعی

برای آگاهی از بخشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی کرج بای صحبت آقای دادگو شهردار کرج که از حدود هفت ماه پیش به عنوان شهردار این شهر انجام وظیفه می‌کند می‌نشینیم.

آقای محمود دادگو می‌گوید:

هر روز صدها هزار نفر از کنار کرج می‌گذرند و فقط خانه‌های واقع بر تپه اسلام‌آباد را که قبلاً به زورآباد مشهور بود و حالا هم خیلی‌ها آن را به همین عنوان می‌شناسند، و نیز منازل و مغازه‌هایی را که در حاشیه اتوبان واقع است می‌بینند بی‌آن که از مسائل درون این شهر ۱/۵ میلیون نفری کمترین اطلاعی داشته باشند.

علی‌رغم این واقعیت که کرج در واقع یک شهر سرراهی است و کسی به مشکلات موجود در بطن آن توجهی ندارد مسؤولین قبلی شهر سعی داشتند که با فضاسازی در اطراف اتوبان چهره زیبایی از شهر ارائه دهند در حالی که خود شهر با نارسائی‌ها و کمبودهای مستوعی رویه رو بوده و هست که تپه اسلام‌آباد (زورآباد) فقط مظهري از آن محسوب می‌شود.

مردم وقتی در روزنامه‌ها می‌خوانند کرج یک و نیم میلیون نفر جمعیت دارد تعجب می‌کنند که یک شهر حومه‌ای چگونه می‌تواند چنین جمعیتی داشته باشد؟ حقیقت را بخواهید برای خود ما هم مشکل است که حالت اجتماعی کرج را چنان توضیح دهیم که در باور مردم و مسؤولان مورد قبول واقع شود و مثلاً بگوئیم همه مردمی که در کرج زندگی می‌کنند کرجی نیستند اما نیازها و مشکلاتشان به کرج تحمیل

اتوبان و نزدیک تهران قرار دارد. چون اگر از تهران دور بود نه فقط مجبور نبود سرریز جمعیت آن را اجباراً بپذیرد، بلکه از مزایای دور بودن از تهران هم برخوردار می‌شد.

هر روز صدها هزار کرجی به تهران می‌روند و امکانات آنجا را می‌بینند و توقع دارند اوضاع اینجا هم شبیه تهران باشد بدون آن که در نظر بگیرند تهران مرکز است، قطب است و امکانات فراوان در اختیار دارد. اما این جا ما چه داریم؟ امکاناتی محدود که با همین امکانات باید جوابگوی نیاز شهرکهای حاشیه‌ای و ساکنان آن‌ها که کمبودهایشان را در خود کرج جستجو می‌کنند، باشیم. شاید افراق‌آمیز جلوه‌کند، اما واقعیت این است که مقدار زیادی از همین امکانات محدود کرج به طور مستقیم و غیرمستقیم صرف جوابگویی نیازهای ساکنان حومه‌های کرج می‌شود. حومه‌هایی که هر روز هم بر تعداد آن‌ها، و هم بر عده

می‌کنند. این‌ها کسانی هستند که هر یک در حد توان خود از حومه کرج به نان و نواشی می‌رسند اما مشکلات، دردسرها و توقعات خود را به کرج تحمیل می‌کنند. بگذریم که فعالیت همین‌ها یکی از عوامل رشد مضاعف و نگران‌کننده جمعیت این منطقه است. برای آن که موضوع روشن تر شود مثلی می‌زنم: فلان آقا در ماه شهر کرج خانه‌ای دارد. مطمئناً شغل اولش در ماه شهر و شغل دومش در کرج است. مشاغل دوم معمولاً در ردیف شغل‌هایی نظیر دکه‌داری و سیگارفروشی است. شغل اول آقا مثلاً خرید و فروش زمین یا دلالی و واسطه‌گری در آن جا است. وقتی این مشاغل کساد می‌شود، بلافاصله می‌آید کرج و مشغول سیگارفروشی می‌شود و یا دکاه‌ی اجاره می‌کند، و یا کنار خیابان بساط راه می‌اندازد. خوب حالا شما فقط به این سؤال جواب دهید اگر ما بخواهیم آماری واقعی از شهر کرج تهیه کنیم و بفهمیم بافت جمعیتی کرج چه

کرج هم اینک حومه‌نشین‌های متعدد دارد

سکنه‌شان افزوده می‌شود. بیاباید فقط به این مسأله توجه کنیم که برای حل مشکلات جمعیت روزافزون تهران قرار است چند شهرک (مثل شهرک اندیشه و شهر هشتگرد) در اطراف کرج ساخته شود. در جریان ساخت این شهرکها پرسنل دست‌اندرکار، کاری به کار کرج نخواهند داشت و از امکانات آن استفاده نخواهند کرد؟ وقتی هم که این شهرکها ساخته شد چه؟ آیا ساکنان آن‌ها برای رفع تمام نیازهای خود کرجی را که در دسترسشان است خواهند گذاشت و به تهران خواهند رفت؟ مسلم است که نه. همین اوضاع و احوال است که اوضاع اجتماعی و فرهنگی کرج را نابسامان کرده و این نابسامانی مسلماً در آینده حادتر خواهد شد، مگر این که برای کرج و مشکلات آن چاره‌اندیشی اساسی شود، و برنامه‌های جامع و فراگیر تدوین گردد.

شهر کانال‌های پر موش!

آقای محمود دادگو شهردار کرج برای نمایش باره‌ای از گرفتاریهای کرج - این حومه‌نشین تهرانی‌ها - می‌گوید:

من قصد ندارم وضع کرج را فقط از دریچه خدمات شهری نگاه کنم، زیرا متقدم یک شهر خوب شهری است که تمامی جنبه‌های آن در حدی متعادل و قابل قبول قرار داشته باشد. فرض کنیم اقداماتی را که قصد داریم برای بهسازی این شهر انجام دهیم به حول و قوه الهی با موفقیت به سامان برسانیم، اما سایر امور آن دست نخورده و پر از اشکال باقی بماند. آن وقت می‌توان گفت شرایط کرج مطلوب شده است؟ بنابراین اجازه بدهید من در کنار مسائل مربوط به شهرداری، فهرستی هم از دیگر مشکلات این شهر ذکر کنم:

یکی از مشکلات عمده کرج فضای سبز است، مشکل بعدی مسائل ترافیکی، و سومین مشکل فاضلاب کرج است. چون کرج در حال حاضر تبدیل شده به شهر کانالهایی که موشهایی به اندازه گربه دارد!

وجود مشکل فضای سبز در کرج البته جای تعجب دارد، زیرا علاوه بر طبیعت منطقه، قدیمی‌ترین و باسابقه‌ترین و بزرگترین دانشگاه کشاورزی با استادانی مشهور در همین کرج قرار دارد. و اگر برنامه و آینده‌نگری وجود داشت، حضور این دو عامل در کنار یکدیگر می‌توانست کرج را به صورت سبزترین و زیباترین شهر ایران درآورد.

یکی از دیگر مسائل این شهر مربوط می‌شود به ارزانی اراضی آن در گذشته که موجب شد تعداد زیادی از تعاونیهای مسکن، و کارخانه‌ها و اتحادیه‌ها برای خانه‌سازی به اطراف کرج هجوم

بیاورند تمام درآمدهای این تعاونیها و کارخانه‌ها نصیب تهران می‌شود ولی خدمات آن‌ها را باید کرج تأمین کند. خدماتی مانند آب، برق، آکسو، مدرسه، بیمارستان و ... یعنی تأمین خدمات به عهده کرج است ولی بازده اقتصادی به تهران تعلق می‌گیرد.

این وضعیت دیر یا زود شرایطی ایجاد خواهد کرد که کرج حداقل در مواردی با بن‌بست مواجه خواهد شد. مثلاً در نظر بگیرید در حالی که قسمت عمده‌ای از جمعیت کرج در تهران یا حومه‌های کرج سرگرم کار هستند و بازده اقتصادی آن‌ها نصیب جاهای دیگر می‌شود برای تحصیل فرزندانشان از کرج سرورس می‌گیرند و چنین است که عده دانش‌آموزان این شهر از تعداد کل دانش‌آموزان بعضی از استان‌ها هم بیشتر است. همین دوگانگی را به سایر جنبه‌های زندگی شهری امروز نظیر آب - برق - بهداشت - سرورس حمل و نقل - دفع زباله - ترافیک و

کرج و سینمای افغانی‌ها!

آقای شهردار کرج در مورد یک نمونه بارز از شرایط اجتماعی کنونی کرج می‌گوید:

علی‌رغم توسعه سریع شهر و رشد سرسام‌آور جمعیت آن، امکانات تفریحی همان است که سالها قبل بوده است. به عنوان نمونه، کرج فقط یک سینما دارد که آن هم به «سینمای افغانی‌ها» مشهور شده است. بدین جهت معدودی از جوان‌های کرجی جلوی مدارس دخترانه اجتماع می‌کنند، عده‌ای اوقات را به بطالت می‌گذرانند و گروهی احتمالاً به جانب امور منکراتی سوق داده می‌شوند.

یک جوان کرجی اگر بخواهد از حداقل تفریحات سالم استفاده کند (مثلاً پسر خود من) باید پانصد تومان خرج کند، به تهران برود، در یکی از سینماها فیلمی ببیند و بعد به کرج بازگردد! البته اقدامات زیادی را برای احداث پارک و زمین ورزش آغاز کرده‌ایم. بعضی از این اقدامات به ثمر نرفته و بقیه در آینده‌های نزدیک و دور به بهره‌برداری خواهد رسید. اما اقدامات ما کافی نیست و باید برنامه‌های جامع الاطراف در این زمینه‌ها اجرا شود.

غیره تعمیم بدهید تا متوجه شوید کرجی که به اجبار به حومه مسکونی تهران تبدیل شده است، چه شرایطی دارد؟

بنده مجبورم هشدار دهم ادامه این وضع تنها به ایجاد دردسر و مشکل برای خود کرج و کرجی‌ها منجر نخواهد شد بلکه زمانی خواهد رسید که بحران‌های کرج دامن تهران را هم خواهد گرفت. مثلاً، تردید نیست با ادامه روند فعلی، وقتی ظرفیت‌های مختلف این منطقه اشباع شد، ساکنان آن برای تأمین نیازهای خودشان خواهی نخواهی تهران را در دسترس‌تر از هر منطقه دیگر خواهند یافت و به سوی آن سرازیر می‌شوند. در یک فرض ساده، همین مشاغل کاذب را در نظر می‌گیریم:

روزی که دیگر کرج فرصت جدیدی حتی برای مشاغل کاذب نداشت که ارائه دهد، جمعیت جویای کار و درآمد به کجا خواهد رفت؟

آن شخصی که در کرج خانه و ریشه دارد - مثلاً جوان‌هایی که دیلم گرفته‌اند و سربازی رفته‌اند - برای کار و درآمد تهران را انتخاب خواهند کرد یا مثلاً زنجان و رشت و همدان را که خود این شهرها هم با مشکل اشتغال مواجه هستند؟

همین وضعیت را به سایر زمینه‌ها گسترش دهیم تا دریابیم کرج در چه شرایطی قرار دارد و چرا باید اوضاع آن از جنبه‌های مختلف مورد توجه و ارزیابی جدی قرار گیرد.

برنامه‌های شهرداری

آقای دادگو در پایان می‌گوید:

البته اینجانب به عنوان مسؤولی که فعلاً متولی تأمین خدمات شهری هستم اقداماتی را آغاز کرده‌ام و در چهارچوب وظایف و ضوابط مربوط به شهرداری برنامه‌هایی را به مرحله اجرا گذاشته‌ام اما ترجیح می‌دهم در مورد اقدامات عمرانی شهر توضیحی

ندهم و بگذارم تا این کارها به ثمر برسد و مردم خود ببینند و قضاوت کنند. اما ذکر دو نکته را ضروری می‌دانم:

اول این که این اقدامات چون در جهت تأمین آسایش و رفاه خود شهروندان است، بدین جهت انتظار داریم مردم به سهم خود با شهرداری همکاری کنند.

نکته دوم، و مهم‌تر، این که اجازه نخواهیم داد دیگران مشکلاتشان را به خرج کرج حل کنند. یعنی کسانی بیابند و در حول و حوش کرج شهرک‌سازی و مجتمع‌سازی کنند، بی‌آن که بابت استفاده از امکانات محدود این شهر سهمی بپردازند. این سخت‌گیری نه از سر تنگ‌نظری، که ناشی از ضرورتی است که عدم توجه به آن هم برای آینده کرج مسأله‌ساز خواهد بود، و هم برای آینده تهران.